

چهار کلمه از یک چروک خورده سپیدموی به همزمان جوان و سبز

دوستان!

از اینکه پس از حدود هشت ماه پیروزی پیاپی در جنگ با استبداد سیاه و تلاش برای بدست آوردن آزادی های بدیهی انسانی، یک بار کارها آن طور که انتظار داشتید به پیش نرفت دلخورید؟ پس اجازه دهید از میان یک دنیا مطلب برای گفتن، چند نکته کوتاه را برایتان تعریف و عرض کنم:

(۱) شخصاً به یاد می آورم در سالهای ۵۶ و ۵۷ حرکت مردم حداقل دوبار دچار افت شد: یک بار پس از سرکوب هفده شهریور که مردم را برای چند روز دچار شوک کرد و عملاً با شروع زمزمه اعتصابات به ویژه در آموزش و پرورش مردم به تدریج از شوک درآمدند. بار دوم هنگام گسترش استقرار نفرهای زرهی در سطح شهرهای کوچکتر و دستگیری های برخی از سازماندهان راهپیمایی ها در اواخر آبان و اوایل آذر ۵۷ بود که آن هم با چند حرکت متوالی مردم خنثی شد و مدتی بعد جنبش مردم، خوب یا بد، به نتیجه رسید.

(۲) پس از انقلاب سرکوب نیروهای مخالف حکومت از اوایل سال ۵۹ شدت گرفت و تا پایان سال ۶۱ تعداد کثیری از این نیروها در خیابانها کشته یا دستگیر و در زندانهای مخوف حکومت گروه گروه به جوخه های اعدام سپرده شدند و این روند با شدت کمتر، تا سال ۶۴ ادامه یافت. سرخوردگی نیروهای رنگارنگ مخالف حکومت به ویژه به دلیل عدم همراهی عده کثیری از مردم که به هر دلیل، به حکومت گرایش داشتند یا حداقل منفعل بودند، باعث شد عده ای از باقیمانده گان به خارج از کشور مهاجرت کنند، عده ای از این مبارزان سابق به دنبال زندگی روزمره خود بروند و بعضاً به طور خودآگاه یا ناخودآگاه در فعالیت های اقتصادی خود، نهایت بی اخلاقی را به خرج دهند تا بلکه احساس "خسران" خود را کاهش دهند. اما عده کمی هم پاشنه ها را ورکشیده و مبارزه ای حساب شده و طاقت فرسا را برای مبارزه با جهل آغاز کردند و در محل کار، تدریس و امثال آن به روشنگری و آموزش نیروهای بالقوه مبارز اقدام نمودند. وه که چه پوست کلفتی داشتیم که با صبوری حیرت آور این کارها را کردیم و خم به ابرو نیاوردیم گرچه روزگار آثار آن را در چین و چروک صورت و سپیدی موی اکثر ما بر جای گذاشته است.

دوستان!

نمی دانم پراکنده بودن تظاهرات ۲۲ بهمن تماماً تحت تاثیر ممانعت ها و سرکوب های حکومتی بود یا به دلیل راهنمایی های نادرست برخی از "چهره ها" در اتخاذ تاکتیک های غلط. نمی دانم این راهنمایی ها از ناپختگی آن افراد بود یا از روی عمد و سوء نیت آنها، یا شاید اینکه اصولاً به این دلیل بود که مبارزه و کارزار بگیر و نگیر دارد. به هر حال هر چه که بود ضرورت یادآوری چند نکته را گوشزد کرد:

اول؛ به نظر می رسد برخی از همزمان جنبش آزادی خواهی امروز ایران، از تجربه و نیز برد باری کافی برخوردار نیستند. تجربه لازمه حرکت های اجتماعی، آن هم در مبارزه با دیو سیاه استبدادی است که سالهاست مشغول تنوره کشیدن است.

این همان دیو سیاهی است که مشروعیت و پایگاه‌های داخلی و خارجی خود را از دست داده و نسبتاً به سرعت در حال نابودی است.

دوم؛ تظاهرات پراکنده ۲۲ بهمن با در نظر گرفتن مجموعه شرایط، حداقل این را نشان داد که جنبش ادامه دارد. اگر عده‌ای از مردم، به قول برخی از دوستان، به "شمال" رفتند دلیل دارد. دلیل آن این است که جنبش نیاز به تغییر تاکتیک و تنوع در روش‌های مبارزه دارد تا مردم مؤثر و نتیجه بخش بودن این مبارزه را باور کنند و منفعل نشوند. سلسله تظاهرات، ماموریت خود را تا اینجا خوب انجام داده و اکنون به تاکتیک‌های متناسب با رشد کمی و کیفی جنبش نیاز است.

سوم؛ جنبش سبز، جنبشی است که رهبری همه جانبه ندارد و کمی بی‌برنامگی در آن طبیعی است. بی‌انصافی است اگر این همه دست‌آورد ماه‌های اخیر از جمله عریان کردن و نشان دادن عدم مشروعیت دولت کودتا و حکومت اسلامی، ریزش بی‌سابقه نیروهای طرفدار آن، ایجاد تدریجی سازماندهی در سطوح مختلف جنبش و سایر موارد را در مقابل تنها یک روز جور در نیامدن کارها (در قالبی که اغلب تصور می‌شد) نادیده بگیریم.

چهارم؛ وجه سیاسی جنبش آزادی خواهی مردم در حال پیدا کردن یک یار جدید و وزین است و آن چیزی نیست جز مطرح تر شدن تدریجی خواسته‌های صنفی و اقتصادی مردم و پیوستن کارمندان، کارگران و دیگر هم‌میهنان به صفوف جنبش آزادی خواهی ایران. از هم اکنون تک تک ما برای فراهم کردن زمینه اعتصابات پراکنده و بدنبال آن اعتصابات عمومی، فلج‌سازی کامل دولت کودتا در محل کار خود از هر طریق ممکن و سایر روش‌های مبارزه، بطور انفرادی یا جمعی برنامه ریزی کنیم. منتظر ابلاغ ابتکارات نباشیم.

تا سرنگونی دولت قداره بندان و چاقو کشان غارتگر، به طور مداوم به مبارزه بی‌امان خود ادامه دهیم.

م.ن.

یکی از حقوق‌دانان جنبش سبز مردم ایران

بیست و دو بهمن ۱۳۸۸